



## نگاهی تازه به وقف در عرصه تحولات جدید

اسدالله لطف‌عطا

### ◀ وقف و حقیقت شرعیه

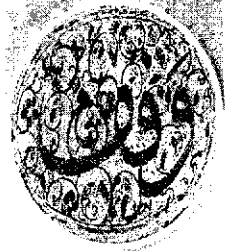
با در نظر گرفتن زیست اجتماعی انسان در طول قرون و اعصار می‌توان به یک نتیجه کلی در این باب رسید که انسان فعلی فرآیند و محصول میلیون‌ها سال زندگی بشر بر روی زمین از طریق تعاون است که با به کارگیری تجربیات و اطلاعات گذشتگان و معاصرین خود در جهت نیل به راه‌هایی نو و مترقی در طول زندگی چه بسا مقدمه‌ای بر کشف یا اختراعی نو گردیده و تجربیات و اکتشافات نسل‌اندز نسل منتقل گردیده و همواره انسان متفکر گذشته را به مثابه چراغی فرا راه حال و آینده خود قرار داده و نحوه زیست و چگونگی برقراری ارتباط در نحله‌های مختلف زندگی خود را دگرگون نموده است و از طریق تبادل اندیشه‌ها و فرهنگ‌ها و ایجاد جامعه‌ای نو و آرمانی که هدف همه ادیان و مکاتب بوده و پدیده‌های مختلفی در زایش، پیرایش و آفرینش انواع فرهنگ‌ها و

تمدن‌ها نقش داشته‌اند، داد و ستدهای فرهنگی و علمی و تأثیر و تأثر متقابل اقوام در زوایای مختلف زندگی، تمدن جهانی را رقم زده است.

اگرچه اقوام و ملل مختلف با ادیان و آداب و سنن متفاوت در چارچوب مرزهای تقسیم‌بندی شده و قراردادی محصورند اما همگی از محصول تفکر و اندیشه‌های هم به طور مشترک استفاده نموده و در راه بهبود شرایط زیستی از راه‌های مختلف اختراع، اکتشاف یا ایجاد مکاتب مختلف فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی به نوبه خود فنانوسی را فرا راه زندگی سایر انسان‌ها قرار می‌دهند.

اغلب پدیده‌ها و نهادهای مختلف اقتصادی و اجتماعی ریشه در تاریخ ملل و ادیان مختلف دارد.

پدیده اقتصادی - اجتماعی وقف نیز که جوهره تعاون در آن متبلور است از این قاعده مستثنی نیست، کلام والای حضرت امام خمینی (ره) در کتاب البیع (ص



۱۸) که تصریح فرموده‌اند: «برای وقف حقیقت شرعی‌ای نیست بلکه یک امر عقلایی است که میان پیروان تمام ادیان و شاید نزد غیر پیروان ادیان نیز مرسوم باشد» مؤید این نکته است.

از طرفی ملا احمد نراقی در مستند الشیعه کتاب الوقف می‌فرماید: «وقف از احکام قدیمه‌ای است که شرایع سابق بر آن جریان داشته و وضع کنیسه‌ها و کلیساها و مساجد بر اساس آن بوده است».

همین کلام والای امام (ره) می‌تواند قوانین و مقررات دگم و اغلب بی‌روح حاکم بر اداره موقوفات را تلطیف کند و از جمود دیدگاه‌های حاکم بر وقف و مقررات موضوعه خصوصاً در تعیین محل مصرف موقوفات مستعذرالمصرف و یا مجهول‌المصرف و یا مجهول‌الواقف جلوگیری کرده و راهگشای تفکر نوینی در اداره اوقاف باشد که اغلب آنها در طی تکامل نوع زیست و تحولات معیشتی انسان‌ها کاربرد خود را یا از دست داده و یا کمرنگ شده و نیاز به تغییر محل مصرف با عنایت به نیازها و ضروریات زمانه دارد. که این البته با اخذ نظر متشرعان و فقیهان و عالمان ممکن و عملی خواهد بود که با قدری تغییر در کیفیت عمل به وقف تأثیر آن را در زندگی اقتصادی و فرهنگی ایران اسلامی پررنگتر و مؤثرتر خواهد نمود و همچنین اندیشه والا و پویای رهبر کبیر انقلاب مقدس اسلامی را که حیات خود را وقف زندگی شرافتمندانه ملت ایران نمود در شریان‌های وقف این امانت الهی جاری‌تر خواهد ساخت.

### □ میزان آشنایی عامه با وقف

هر چند پدیده‌ای به نام وقف از دیرباز در اغلب پهنه‌های گیتی و در بین ملل مختلف به اشکال گوناگون وجود داشته است، در ایران بعد از اسلام با الهام از تعالیم عالیّه آن بیش از پیش مورد عنایت قرار گرفته و مورد عمل بوده است اما تاکنون متأسفانه کمتر از سایر پدیده‌های دیگر اجتماعی مورد عنایت محققان و دانشمندان قرار گرفته است و کتب و رسالاتی که در باب نهاد اجتماعی وقف نگاشته شده‌اند اغلب از دیدگاه‌ها و منظر فقه و حقوق یا فقه تطبیقی بدان نگریسته شده و به

مقایسه‌های مکرر وقف بین این یا آن مذهب پرداخته شده و کم و بیش نیز نگرشی اجمالی بر سیر تاریخی آن و مباحث مزبور داشته‌اند که اکثریت قریب به اتفاق آنها صرفاً مورد استفاده محققان فقه و متشرعان و طلاب و اهل فن بوده و رساله‌ای در این باب جهت استفاده عامه نوشته نشده است تا آنجا که حتی از تعریف وقف به زبانی ساده خودداری شده و هنوز که هنوز است با استفاده از کلماتی مغلق و حقوقی و کاملاً تخصصی (که تأویل و تفسیر بسیاری را می‌طلبد) تعریف می‌شود و اصطلاحات و تعاریف مربوط به آن را فقط می‌توان در لابلاهی متون و کتب فقهی و حقوقی جست که در چارچوب: عقد است یا ایقاع یا اطباء و تطویل کلام به مباحثی کاملاً فنی و حقوقی پرداخته شده که فقط مورد استفاده خواص است!

در نتیجه این سنت حسنه در بین اکثر باسوادان و کتابخوانان غریب و مهجور مانده است و آشنایی آنان تنها در این حد است که فرشی را یا جزوه‌ای را که به مساجد اهدا کنند وقف می‌گویند! و این جای بسی تأسف است که حتی در ایران بعد از انقلاب اسلامی سطری در باب وقف در هیچ‌یک از کتب درسی ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان نیامده باشد! و دریغ است که با سنت حسنه و پدیده‌ای با این عظمت معنوی با تأثیری به درازای ابدیت اینگونه رفتار شود.

وقف که نمادی از روح خیرخواهی و تعاون و همزیستی و عطوفت انسانی برخاسته از ایده والا و ایمان است، مورد علاقه و بحث فقها بوده و اگرچه به علت وسعت دامنه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هنوز هم جای بحث دارد لیکن دریغ است که با زبانی ساده و عامه فهم به این داستان دل‌انگیز که ماجراها از عواطف و انسانیت و ایثار دارد پرداخته نشود و جای اینگونه آثار در ادبیات و هنر چقدر خالی است که این جای خالی همت والای نویسندگان و هنرمندان متعهد و معاصر را تکلیف بزرگی است!

گرچه مساعی تمامی محققان و فقها در آرایه شناخت و معرفی و احیای این سنت حسنه مأجور است و اگرچه وقف عملی حقوقی است اما نگرش به وقف از ابعاد

۱. البته نمی‌توان تلاش سازمان اوقاف را در زمینه انتشار فصلنامه میراث جاویدان و نشریه باران در این زمینه دید و تحسین نکرد، اما کافی نیست.



محل مصرف و نوع رقبات، دید وسیع ساکنان این خطه را در ظرافت و باریک بینی آنان در لحاظ نمودن و در نظر گرفتن جزئی ترین ابعاد نیازهای ضروری جامعه را نشان می دهد و صدالبته تأثیر اسلام را در به وجود آمدن چنین موقوفاتی چشمگیر بیش از همه باید پذیرفت.

در سوره توبه آیه ۶۰ می فرماید: «اتّما الصدقات للفقراء والمساکین والعاملین علیها والمؤلفة قلوبهم و فی الرّقاب والغارمین و فی سبیل اللّٰه و ابن السبیل» مصرف صدقات نیست مگر مختص فقیران و عاجزان و متصدیان اداره صدقات و برای تألیف قلوب و آزادان بندگان و قرض دادن در راه خدا و در راه درماندگان. ملاحظه می شود که صدقات (که وقف را نیز صدقات جاریه گفته اند) چه مصارف مختلفی دارند.

## □ نگاهی کوتاه به پیشینه تاریخی وقف

### ○ الف. پیش از اسلام

اقوام آریایی خصوصاً ایرانیان از زمان های باستان به پیروی از آیین و کیش خود به کار نیک و دستگیری از بینوایان توجه داشتند و دارای نذورات و موقوفاتی برای نگهداری آتشکده های خود بوده اند.<sup>۲</sup>

باید دانست که در ایران باستان کارهای خیری که امروزه از آن به نام وقف یاد می کنیم مسلماً وجود داشته منتها به سه صورت انجام می گرفته که هنوز بین زرتشتیان رواج دارد:

یکم: اشوداد؛ دوم: نیاز؛ سوم: گهنبار.

اشوداد مرکب از دو کلمه «اشو» و «داد» است، «اشو» به معنی «در راه دین» و «داد» از فعل دادن و به معنی بخشیدن است بنابراین این کلمه را می توان «بخشیدن در راه دین» یا بخشش در راه خدا معنی کرد و مال مورد بخشش ممکن است ملک، جامه، خوراکی و غیره باشد.

نیاز عبارت است از وسایل و لوازم معبد و پرستشگاه ها را خریدن و در اختیار آنها گذاشتن مثلاً فرش، چراغ و غیره را تهیه کرده و به معبد تقدیم نمایند.

گهنبار عبارت است از جشن های شش گانه و هر مرتبه پنج روز در این جشن ها پس از انجام دادن مراسم دینی، خوردنی و آشامیدنی بین نیازمندان تقسیم می شود و در ضمن نام درگذشتگان را نیز ذکر می نمایند.<sup>۳</sup>

اقتصادی و اجتماعی و سنجش ظرفیت های آن در قالب های فقرزدایی (اعم از فقر فرهنگی و فقر اقتصادی) با استفاده از تجربیات سایر جوامع اعم از اسلامی و غیر اسلامی و شرقی و غربی و تلاش در جهت لحاظ نمودن نیازهای زمانه در نوع عمل به وقف و ستردن گرد و غبار عرف و سنت ها و باورهای خرافی و غیر معقول در عمل به وقف موقوفات که میراث های اقتصادی و معنوی نیاکان خیراندیش ما بوده و هستند از اهم مسایل و موضوعاتی است که باید بیشتر بدان پرداخته شود.

## □ انگیزه های فرهنگی وقف

وقف یکی از مظاهر تزکیه نفس و وارستگی از تعلقات نفسانی و نفی روحیه زراندوزی است، موقوفات در سیر تاریخ بسیاری از گره های مادی مردم را گشوده و در کاستن فقر و محرومیت تأثیر مثبتی گذاشته است، به طور خلاصه در بُعد فردی تأثیر وقف نمودن برای ایجاد آرامش روانی و ارضای عواطف نوع دوستی و گسترش اخلاق حسنه و نهایتاً وابستگی های نفسانی و مادی و در بُعد اجتماعی برای پُر کردن خلأ اقتصادی در جامعه و کاستن فاصله طبقاتی و تعدیل ثروت و رفع محرومیت و فقر می باشد.

گرایش انسان به ابدیت خود نیز از اساسی ترین انگیزه های وقف نمودن است چرا که فناپذیر بودن انسان در گذر زمان وی را با درد جاودانگی آشنا ساخته و بشر به انحای مختلف در جستجوی راهی برای امتداد اثر خود به پهنای مکان و درازای زمان بوده است، ساختن کاخ ها، ایجاد آثار و بناهای استثنایی و هنری، نگارش کتب، اختراعات و اکتشافات نمونه ای از آنهاست. به هر حال انسان کوشیده است تا با توسل به انواع شیوه ها علی رغم فنا و نیستی که خود می داند و منتظر آن است، بقا و جاودانگی خود را رقم زده و تضمین کند، یکی از این شیوه ها، پدیده ای به نام وقف است که در هر گوشه و کنار نشانی از آن را می توان یافت: مساجد، گرمابه ها، مدارس، کاروانسراها، دانشگاه ها، کتابخانه ها و ... که همگی نمونه و نمادی برای نیل به جاودانگی است، اگرچه وقف در بین تمامی ملل رایج بوده و هست اما موقوفاتی که در کشور عزیز ایران موجود است با تنوع

۲. فصلنامه میراث جاویدان، ش ۵.  
۳. وقف در ایران، صص ۲۱ و ۲۲.



در دوران پیش از اسلام از عمده‌ترین زمین‌های فئودالی، املاک خالصه و وقفی بود، پرستشگاه‌ها، همچنان که در دورهٔ هخامنشی بر املاک وسیع یا روستاهای فراوان و بردگان بیشمار تسلط داشتند و فرمانروایی می‌کردند، سلوکیان و اشکانیان قلمرو آنان را محترم می‌شمردند، این زمین‌ها یا از طرف پادشاه یا به وسیلهٔ بزرگان و فئودال‌ها در هر جا به منظور جلب رؤسای مؤیدان به پرستشگاه‌ها اعطا می‌شد و کشاورزانی که در زمین‌های آن کار می‌کردند می‌بایست باج آن را به هیرید یا کاهنان بزرگ بدهند.<sup>۴</sup>

بنابراین می‌توان چنین استنتاج نمود که موقوفات در ایران باستان صرفاً متعلق به معابد و پرستشگاه‌ها، و در جهت دینی و مذهبی بودند و مصرف دیگری نداشتند.

حالات دیگری هم برای وقف اراضی مزروعی وجود داشته است اما وجه غالب بر این اوقاف در آغاز آن بود که وقف بر امور خیریه همگانی باشد و بیشتر عواید آن به مؤسسات عمومی اختصاص یابد، از این رو از میزان بهرهٔ مساجد و مراکز عمومی از محل اوقاف مزبور آگاهی نداریم و در باب موقوفات مخصوص مساجد جامع بزرگ چون بیت‌المحرام، مسجد نبوی در مدینه، جامع اموی دمشق، جامع منصور بغداد و جامع اعظم قرطبه منابع تاریخی که در دسترس ماست تا پایان سدهٔ سوم هجری چیزی را بیان نمی‌کنند. در اینجا سؤال پیش می‌آید که علت این سکوت چیست؟ به احتمال زیاد آن بوده که وقف بر اماکن عمومی در آن روزگار مرسوم نبوده است تا آنجا که نقل می‌کنند که ابوحنیفه قصد ابطال موقوفات را داشت اما شاگرد وی ابویوسف چون از مالک سنت وارده در احباس و صدقه با سبزی و میوه را شنید در این تصمیم با وی مخالفت کرد و عمل به وقف را در مذهب خود جایز شمرد.<sup>۵</sup>

آشفته‌گی‌ها و نابسامانی‌های سیاسی، اقتصادی و اداری دورهٔ عباسی که از سدهٔ سوم هجری آغاز گردید و گسترش بیداد و عدم احترام حکام به مالکیت‌های خصوصی همه در تقویت نهضت اوقاف بر مراکز عام‌المنفعه در بین مالکان بزرگ تأثیری قوی داشت. بی‌مبالاتی حکومت‌ها نسبت به مالکیت به جایی رسید

که مصادره، دیگر بزرگان حکومت حتی توده‌های مردم را فراگرفت و با گذشت زمان، مصادره از عوامل اصلی کسب ثروت شد.

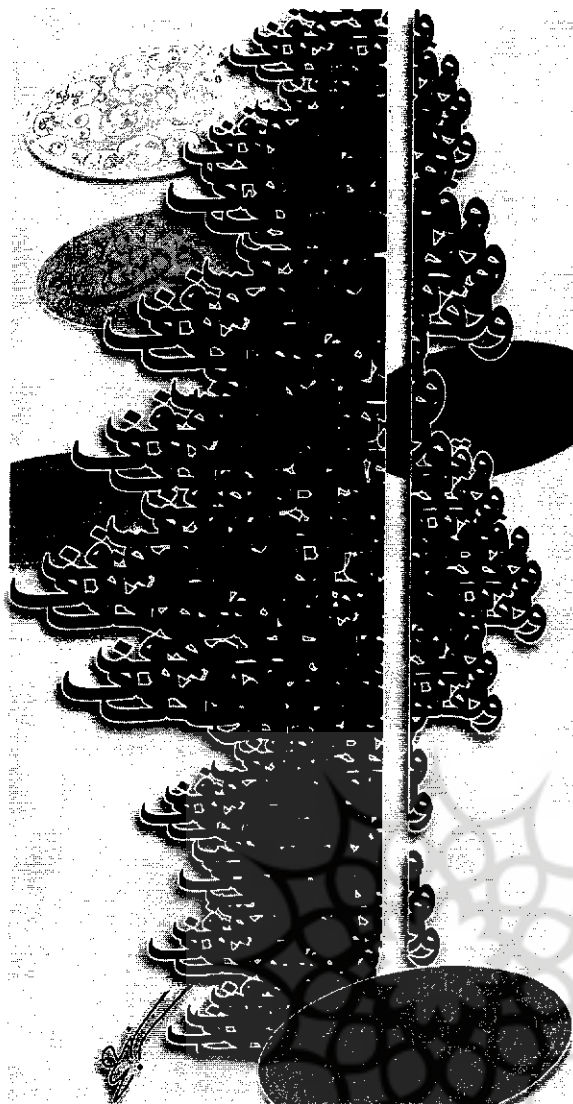
در خلال این دوره‌های نابسامان که حقوق و امنیت فردی اعتباری نداشت، ثروتمندان وقف املاک خود را بر اماکن خیریهٔ عمومی تنها راه نگهداری آن از تعدی حکومت یافتند و پاداش الهی را با سپاس مردم به خاطر شرکت در امور مردمی و خیریه برای خود کسب نمودند، این موضوعی است که ابن‌خلدون در مقدمهٔ خود به آن اشاره نموده است: «امرای ترک از وجود رزم‌آوران در حوزهٔ دستگاه خود و سلطان‌شان بیم دارند، از آن رو که اعضای خاندان خود را بر ایشان مقدم می‌دارند و اینکه گروه مزبور از راه بندگی یا ... در دستگاه سلطان برگزیده شده‌اند و از آنجاکه از بازخواست‌های شاه بیمناک‌اند به ساختن مدارس - زاویه‌ها و رباط‌های بسیار همت می‌گمارند و املاکی را که عواید فراوان دارد بر آن وقف می‌کنند و برای فرزندان خود هم بهره‌ای در نظر می‌گیرند تا نظارت را بر عهده گرفته یا از آن بهره‌گیرند».

### ○ ب. بعد از اسلام

اوقاف که احباس هم نامیده می‌شود در دورهٔ بعد از ظهور اسلام نیز با توجه به تعالیم نوع دوستانه‌ای که در این دین الهی آمده است با شکلی گسترده و فراگیر شیوع یافته و اختصاص آن به معابد و پرستشگاه‌ها نبود بلکه در راه تعلیمات و زدودن فقر نیز به کار گرفته شد و نقش اجتماعی و فرهنگی گسترش یافته‌ای را در حیات مسلمانان ایفا نمود.

طبق مدارک تاریخی نخستین وقف در اسلام توسط پیامبر اسلام (ص) انجام شد. آن حضرت در سال سوم هجرت پس از جنگ احد هفت بوستان و مزرعهٔ آباد را به نام بساتین السبعة که به ایشان هبه شده وقف نمودند و تولید آن را پس از رحلت خود به حضرت فاطمه (س) واگذار کردند. این بوستان‌ها متعلق به یک یهودی به نام مخیریق بود که در جنگ احد به یاری پیامبر آمده بود و قبل از کشته شدن وصیت کرد که دارایی‌اش در اختیار حضرت محمد (ص) قرار گیرد تا هرگونه بخواهد در راه خدا صرف کند.<sup>۶</sup>

۴. تاریخ زندگی روستاییان، ج ۱، ص ۳۳۰.  
۵. تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی به نقل از عرنوس: تاریخ القضاء فی الاسلام، صص ۴۳ و ۴۴.  
۶. همان.  
۷. فصلنامهٔ میراث جاویدان، ش ۳، ص ۴۵.



کلیسا از مردم خود وصول می‌کند، در سایر ممالک، مردم و دولت با کمک کلیساها و روحانیون محل‌هایی به این منظور تهیه کرده‌اند.<sup>۸</sup>

ویل دورانت معتقد است: با بسط تمدن و پیشرفت صنعت و تکنولوژی، توجه مردم به مسایل انسانی و اخلاقی بیشتر می‌شود چنانکه صنعت امروز در مقایسه با روش وحشتناک کارخانه‌های صدسال قبل رحیم و مهربان است هر مؤسسه جدید جزئی از برنامه خود را تأمین آسایش قرار داده است و صنایع، بخش مهمی از عایدات خود را صرف بیمارستان‌ها و مدارس و کتابخانه‌ها و تحقیقات علمی می‌کنند، هنوز در میان ما و اولیاءالله پیدا می‌شوند و مردم نیکوکار به چشم می‌خورند... اگر ملتی دچار قحطی شود دشمنانش به باریش می‌شتابند و... کسی به عمق استعداد انسان در راه نیکوکاری پی نرسیده است، در پشت آشفتگی‌ها و جنایات، مهر و عاطفه انسانی پابرجاست.<sup>۱۱</sup>

به طور کلی در دوران بعد از اسلام هر وقت امنیت و آرامش نسبی پدیدار می‌شد زمامداران و وزرا و مردم ثروتمند انساندوست دست به فعالیت‌های عام‌المنفعه می‌زدند و یا مبادرت به وقف املاک خود می‌نمودند.<sup>۹</sup> عواید موقوفات معمولاً برای نگهداری مسجد، مدرسه یا بیمارستان به مصرف می‌رسید فقط در ادوار متأخر وقف کردن ملک برای افراد یا خاندان‌ها [وقف خاص] افزایش یافت.

## ○ ج. در سایر مذاهب و کشورهای مختلف

سنت وقف ویژه کشورهای اسلامی و شرقی نیست، در کشورهای غربی و حتی نقاط دورافتاده جزایر استرالیا و آفریقا و در میان سرخپوستان امریکای جنوبی نیز این سنت وجود داشته است و این اقوام برای معابد، پرستشگاه‌ها، کلیساها، صومعه‌ها و دیرهایشان موقوفه‌هایی را اختصاص داده بودند به ویژه در مصر باستان و یونان و چین و ژاپن و روم و بابل و فلسطین قبل از اسلام نیز موقوفاتی وجود داشته که برای جریان کار معابد و صومعه‌ها و بازسازی آنها و گذران زندگی اسقف‌ها، برهمن‌ها، کاهنان از درآمد آن بهره می‌گرفته‌اند و خود نیز آن را سرپرستی می‌کردند و به دانش‌آموزان مدارس وابسته به معابد خدمات لازم را می‌دادند.

آن هنگام که مسیحیت به عنوان دین رسمی مطرح شد وقف نیز در این آیین موجودیت یافت، در انجیل مقدس و رساله حواریون عیسی مسیح (ع) همچون رساله پولس حواری نیز مطالبی راجع به وقف وجود دارد.<sup>۹</sup>

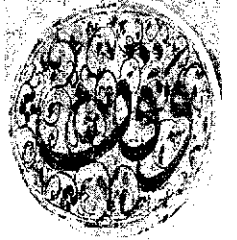
مبدأ و منشأ انگیزه اصلی امور خیریه در اروپای فعلی، جنگ دوم جهانی بوده است، در اروپای بعد از جنگ این عمل را روحانیان انجام داده‌اند بدین طریق که هر مرد روحانی بنا به طرز تفکر خود راهی را در پیش گرفته و از آن راه به کمک نیازمندان شتافته و مدت زیادی وقت صرف کرده تا توانسته است عده‌ای را با خود موافق سازد و به کار خیر وادارد. مغرب‌زمین که دنیای متمدن عصر ماست تقریباً از سی سال قبل عطف‌توجهی به مسایل اجتماعی مانند نگهداری از پیران و سالمندان و به جز مملکت آلمان که از سال ۱۸۴۵ مالیاتی برای

۸. تاریخ اجتماعی ایران، ج ۳، ص ۱۰۵.

۹. فصلنامه میراث جاویدان، ش ۱۰.

۱۰. وقف در ایران، ص ۱۲۷.

۱۱. تاریخ اجتماعی ایران، ج ۶، ص ۱۷ به نقل از لذات فلسفه، ص ۱۱۱.



تأثیر مستقیم شرق و آیین اسلام را بر جوامع اروپایی در پیرایش تفکرات و نهادهای خیرخواهانه را نمی‌توان دست کم گرفت و نادیده انگاشت تا جایی که بسیاری از متفکران غربی ناگزیر از اعتراف و اذعان به این تأثیر شگرف بوده‌اند به طوری که خود ویل دورانت در «آغاز عصر خود» اینگونه می‌نویسد:

شاید بتوانیم به شرق کمک کنیم تا به فقر و خرافات فایق آید و شرق بتواند ما را به فروتنی در فلسفه و به ظرافت در هنر برساند: شرق غرب و غرب شرق است و این دو با یکدیگر تلاقی خواهند کرد.<sup>۱۲</sup>

### □ وقف در ترکیه امروز

علی‌رغم تلاش‌های سیاستمداران در جهت زدودن آثار و سنن و تمدن اسلامی و به اصطلاح مدرنیزه و اروپایی کردن ترکیه که با تغییر خط در جهت قطع ارتباط دنیای قدیم با دنیای نوین آغاز شد، سنت وقف با همه فراز و نشیب‌های خود توانسته است تا حدودی از لابلای آشوب‌ها و بلایای سیاسی جان به‌دربرد و «از جمله فعالیت‌های گسترده سازمان‌های تحت پوشش اوقاف فعلی ترکیه دو بانک وابسته به اوقاف است:

۱. بانک اوقاف - برنامه‌های فرهنگی و هنری ویژه کودکان و برنامه سالگرد مولانا را در قونیه اجرا می‌کند.

۲. بانک املاک - (نام قبلی آن املاک و ایتمام بوده است) که ریشه در عثمانی دارد، حفظ میراث فرهنگی، بازسازی آثار تاریخی و اداره کتابخانه خطی را به عهده دارد و نشریه‌ای برای کودکان به صورت رایگان منتشر می‌کند و در زمینه احیای فولکلور و نشر آثار ویژه کودکان فعالیت دارد.<sup>۱۳</sup>»

می‌توان گفت که ترکیه از اوقاف جهت تبلیغ سیاست فرهنگی حاکم بهره‌برداری می‌کند.

### □ نقش وقف در گسترش مالکیت

وقف به عنوان شکلی از مالکیت در روند شکل‌گیری نظام‌های مختلف اجتماعی<sup>۱۴</sup>، نقش خود را به مثابه جزیی از ابزار و مواد اولیه (بخصوص در شیوه‌های اقتصادی وابسته به زمین) ایفا نموده است.

در دوره‌های گوناگون با اشکال مختلف مالکیت زمین مانند اقطاع، خالصه، تیول و ... روبه‌رو می‌شویم اما وقف در شکل‌بندی‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی حضور مستمر خود را به انحای مختلف به رخ می‌کشد که در عین حال با تمامی انواع مالکیت‌ها تفاوت‌های عمده‌ای دارد.

در وقف بر خلاف انواع مالکیت‌ها که حرکت از مالکیت عمومی به مالکیت خصوصی است، به نوعی مالکیت عمومی تبدیل می‌شود زیرا اموال موقوفه همچون اموال عمومی قابل فروش و بخشش و ارث نیستند و غالباً به موقوف‌علیهم تعلق دارند یعنی اصل آنها ثابت و غیرقابل انتقال و درآمد آنها برای موقوف‌علیهم است، وقف هدایت مالکیت‌های خصوصی افراد به سمت مصالح عمومی است که اسلام آن را با شرایطی مورد تأیید قرار داده و راهی است که انسان می‌تواند مالکیت خود را تا ابد تضمین نماید و این تنها استثنایی است که در ابدی کردن مالکیت وجود دارد و به همین جهت است که وقف مصداق صدقه جاریه نمی‌شود و برای واقف همیشه مفید و ثمربخش خواهد بود لذا اسلام سفارش می‌کند اگر می‌خواهی مالکیت و اموال در اختیار باشد در راهی که می‌خواهی به مصرف برسد آن را در راه خدا وقف کن.<sup>۱۶</sup>

در خصوص وقف و مالکیت از نوع استثنایی آن بعضی از محققان تا آنجا پیش رفته‌اند که آن را شکلی از مالکیت اشتراکی قلمداد نموده‌اند. نویسنده کتاب تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی از استاد بندلی جوزی چنین آورده است: استاد بر این بوده است که نهضت اسماعیلی در تقسیم اراضی رایگان در بین نیازمندان به منزله یک کار اشتراکی (سوسیالیستی) بوده است و چنانچه این سخن درست باشد سیاست فاطمی‌ها یعنی همان اسماعیلیان در زمینه وقف بنا به گفته این محقق اجرای برنامه‌های سوسیالیستی بوده است. اما در مغرب (اسلام) موضوع «مصالح مرسله» که فقه مالکی به آن ممتاز می‌باشد رواج داشته است این شیوه شبیه چیزی است که ما امروز آن را «مصالح عامه» برای مردم می‌نامیم، و این موضوع در انتشار دامنه اوقاف در راه منافع عامه از قبیل

۱۲. دورانت، ویل، تاریخ تمدن، ج ۷، ص ۵۷۱  
۱۳. فصلنامه میراث جاویدان، ش ۱۰.  
۱۴. نظام اجتماعی عبارت است از مجموعه نیروهای تولیدی (انسان + تجربیات تولیدی او + وسایل تولید که آن نیز عبارت است از ابزار تولید + مواد اولیه و زمین و ساختمان).  
۱۵. هر جامعه + نهادهای اجتماعی - زندگی اقتصادی و سیاسی و فرهنگی آن جامعه در یک مرحله معین تاریخی - را شکل‌بندی اجتماعی (فرم‌اسیون) یا شکل اجتماعی گویند.  
۱۶. جناتی، محمدابراهیم، فصلنامه میراث جاویدان، ش ۵.



## □ بنیادهای وقفی در غرب و اهداف آنها

اگرچه موقوفات و بنیادهای وقفی غربی اساساً با موقوفات اسلامی و بخصوص شیعی افتراق بنیادی دارند اما در مواردی که حل مشکلات عمومی، پشتیبانی و تبلیغ و ترویج دانش است، نقاط اشتراک و وجوه اساسی نیز دیده می‌شود. بجاست با شناخت ماهیت و مقاصد موقوفات یکدیگر از تجارب گرانبهای هر یک تا آنجا که چارچوب‌های فرهنگی و عقیدتی اجازه می‌دهد در جهانی که هدف مشترک آن نیل به توسعه پایدار است بهره‌مند گردند.

غرب مدت‌هاست که از ابعاد گوناگون دست به شناخت و بازشناسی صور متنوع و محتوای ارزشمند فرهنگ مادی و معنوی مشرق زمین برخاسته است، ما نیز بجاست که بی‌آنکه در اندیشه خودباختگی و استحاله باشیم تلاشی در جهت شناخت و تسخیر جهات مطلوب تمدن و فرهنگ جهان، با اندیشه غنی‌تر نمودن فرهنگ جامعه خود بنماییم زیرا خزیدن در صدف انزوا، روی برتافتن از جنبه‌های مثبت فرهنگ جهانی، نوعی هراس از زمانه و درج‌زدن است بخصوص که در اوضاع و احوال کنونی، پیوستن به جنبش وقف‌گرایی خصوصی و بنیادهای عمومی و دسته‌جمعی جهت نیل به مقاصد عام‌المنفعه است کاری که در روزگاران گذشته به کمک نهاد وقف در جهان شگفتی آفریده و بدون اعتنای به حاکمیت‌های وقت در زدودن فقر و حل مشکلات جامعه نقش اساسی و مؤثر خود را ایفا نموده و فرهنگ اسلامی ما را استوار، غنی و پیش‌تاز کرده است.

موقوفات خصوصی و بنیادهای وقفی کشورهای اروپایی و بخصوص امریکای شمالی از ابزارهای مؤثر رشد، توسعه و تحول فرهنگی این جوامع است، میزان و تنوع امکانات مالی که از طریق بنیادهای وقفی در اختیار مؤسسات فرهنگی، آموزشی، پژوهشی، کتابخانه‌ها و موزه‌ها و غیر آن قرار دارد حیرت‌آور است. این بنیادهای جدید وقفی از ابزارهایی هستند که به کمک آنها گرایش‌های نوین از نظرات گوناگون در اساسنامه آنها منظور می‌شود و به فعلیت و اجرا در می‌آید واقف یا واقفین دست متولیان یا هیأت‌های امانا را در تشخیص و

مساجد و مدارس و بیمارستان‌ها و اماکنی از این قبیل که سودش شامل حال همه مردم باشد تأثیر داشته است.<sup>۱۷</sup>

## □ همکاری مردم با دولت در ایجاد مؤسسات عام‌المنفعه

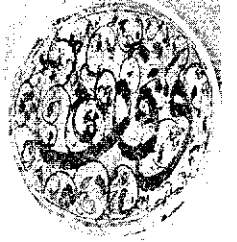
در دوران بعد از اسلام، زمامداران دولت‌های بزرگ پس از آنکه موقعیت سیاسی و نظامی خود را استحکام می‌بخشیدند، گهگاه برای جلب محبت و علاقه مردم، دست به احداث مدارس، مساجد، خانقاه‌ها و پل‌ها و حمام‌ها و ... می‌زدند و غالباً صدور وزرا و شخصیت‌های سیاسی ایران، سلاطین و فرمانروایان را به این قبیل کارها تشویق و تبلیغ می‌نمودند و گاه خود در ایجاد مؤسسات عام‌المنفعه پیشقدم می‌شدند، با این حال قسمت اعظم مدارس و مکاتب و بیمارستان‌ها و دیگر سازمان‌های خیریه به همت مردم نیک‌اندیش به وجود می‌آمد و از محل عواید موقوفات اداره می‌شد و این سنت خیرخواهانه در غالب شهرهای خاورمیانه سخت معمول بود.

ابن‌حوقل در سفرنامه خود می‌نویسد: «متمولین ماوراءالنهر قسمتی از اموال و دارایی خود را وقف امور عام‌المنفعه می‌کنند و با ایجاد پل‌ها، رباط‌ها و مدارس و مکاتب، نامی نیک از خود به یادگار می‌گذارند».

عبدالجلیل رازی مؤلف کتاب النقص نیز ضمن توصیف مساجد و مدارس موقوفه و وضع اوقاف کاشان می‌نویسد: «هر رباطی و مدرسه‌ای که رفیع‌تر و عالی‌تر و نیکوتر است، همه خواجگان وقف کرده‌اند، چون شرف‌الدین انوشیروان خالد و رباط‌های معین‌الدین<sup>۱۸</sup>». مرتضی‌راوندی در جلد چهارم تاریخ اجتماعی ایران ضمن بحث در پیرامون اوقاف و دیوان اوقاف نمونه‌هایی از مؤسسات خیریه قدیم را که از محل عواید اوقاف اداره می‌شدند ذکر نموده که برای جلوگیری از طول مقاله آن آوردن آن خودداری می‌شود.

در یزد، اصفهان، تبریز، مشهد و اغلب اکناف این سرزمین پهناور مکرر از مردان خیر و نیکخواهی سخن رفته که برای آسایش خلق به حفر چاه و قنات و ایجاد آب‌انبار و احداث بازار و حمام و مسجد و مدرسه و آسیاب و جز اینها مبادرت نموده‌اند.<sup>۱۹</sup>

۱۷. بندلی جوزی، تاریخ العرکات الفکریه فی الاسلام، ج ۱، ص ۱۰۹.  
 ۱۸. النقص، به اهتمام سیدجلال‌الدین محدث، ص ۴۷۳.  
 ۱۹. تاریخ اجتماعی ایران، ج ۵، صص ۴۰۰ و ۴۰۱.



عمل به مقتضیات زمان باز می‌گذارند تا هرگاه موضوع یا مسأله جدیدی پیش آید و مرجع توجهی بدان نبود سعی و اهتمام کافی در حل آن مبذول شود.<sup>۲۰</sup>

#### □ لزوم بازنگری در امر وقف

داستان وقف و ایقاف در طول تاریخ حیات اجتماعی و اقتصادی میهن ما با فراز و نشیب‌های متعدد و گاه تأثرانگیزی همراه بوده و بقول معروف: یکی داستان است پُر آب چشم.

در دوره‌ای، سلطانی برای فرونشاندن شعله‌های سرکش جهانخوارگی و کشورگشایی خود این نهاد مقدس را که اغلب متعلق به مساجد بوده، لگدکوب سُم ستوران لشکریان خود نموده و عواید آن را صرف رزم‌ها و بزم‌های اهریمنانه خود کرده و در دوره‌ای دیگر شاهی از بخشش موقوفات به خویشاوندان و سرداران خود محبوب قلوب آنها شده و قبله عالم لقب گرفته است و یا دیگری با توسل به قلدری و زورمداری موجبات تعدی و تجاوز به این نهاد برخاسته از عمق عاطفه انسانی را فراهم آورده است.

آنچه که تاکنون از دست تطاول ایام و تعدی حکام به در رفته و با سربلندی باقی مانده است و به اکنون و اینک پیوسته است متأسفانه به علت عدم شناخت عمومی یا مخروبه است یا اغلب در سُرف تخریب، گرچه تلاش‌های مستمر متولیان امر و در رأس آن سازمان محترم اوقاف هیچ‌گاه ندیده تلقی نشده و مأجور در پیشگاه حق است. اما آنچه که مسلم است، بدون یک آموزش و تبلیغ و بسیج همگانی، ستردن غبار زمان از این امانات الهی اگر محال نباشد، مشکل است و بر اینجا و اکنونیان فرض و تکلیف است که آثار گردوغبار زمان را از این میراث معنوی نیاکان سترده و حتی المقدور با ایجاد دیدگاه‌های جدید و نگرشی نوین با تطبیق به نیاز و ضرورت زمان، به وقف و توهّمات و ذهنیت مقلوب (ساختگی شاید ناشی از جهل) و عدم رسیدگی و یا عملکرد نادرست گذشتگان (اعم از متولی یا حاکم) را با عملکرد صحیح خود، زدوده و با احیای موقوفات، فرهنگ متعالی وقف و ایقاف را در جامعه ترویج نموده و این امانات الهی را که از پیشینیان نیک‌اندیش و مؤمن

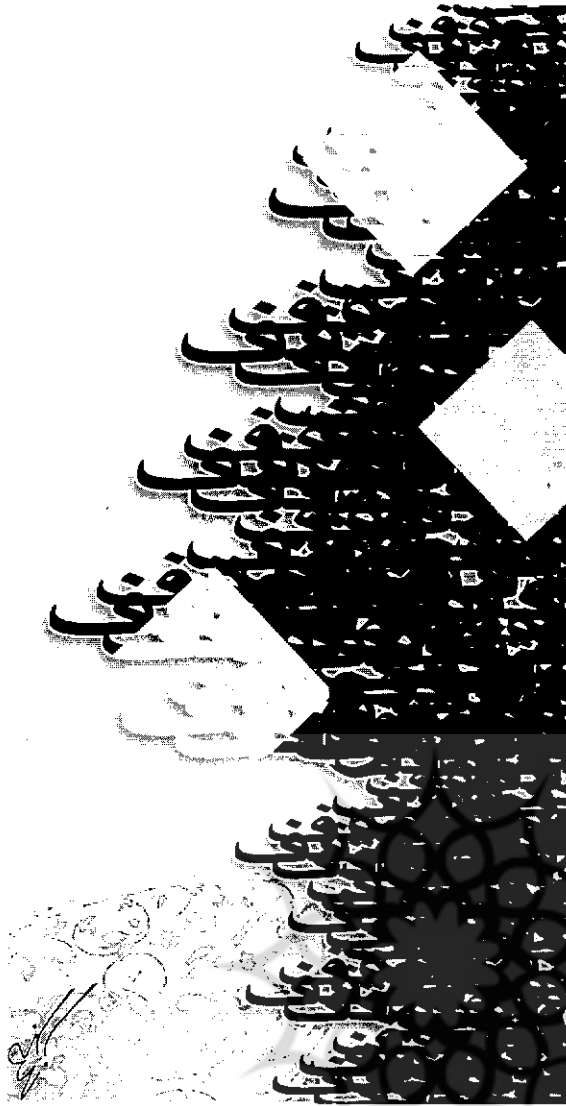
به دست ما رسیده به صاحبان اصلی امانات (آیندگان) تحویل نماییم، طوری که عملکردمان الگوی آیندگان باشد تا آنان نیز به پاس این وظیفه‌مندی ما این صدقات جاریه را حفظ و به آیندگان بعد از خود بسپارند... چراکه: یکی از شرایط اصلی وقفیت مؤبد بودن آن است پس: با احیا و حفظ موقوفات ابدیت آن‌ها را تضمین نماییم.

با عنایت به آنچه که گذشت، ابتدا باید موقعیت و روند کنونی اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی جامعه خود را با تحلیل مشخص از اوضاع و احوال فعلی تعیین نمود و با شناخت دقیق از نقش موقوفات در گذشته و بنیادهای وقفی کنونی در جوامع مختلف امروز اعم از غرب و شرق به سراغ شناسایی ضرورت‌ها و نیازهای امروز رفت و تدابیر لازم را جهت حل و فصل آنها با همیاری و استعانت از صاحب نظران اتخاذ کرد و سپس در جهت سرمایه‌گذاری برای گسترش کمی و کیفی آنها اقدام کرد.

وقف قبل از همه چیز به مثابه یک پدیده و شیوه اقتصادی در اکثر جوامع مقبول و مورد عمل است، با استفاده از تجارب تاریخی خود و جوامع دیگر بی‌آنکه خدش‌های به آداب و سنن اجتماعی ما وارد شود و ما را در ورطه تجددگرایی منفی بغلتاند، با استفاده از نظر کارشناسان صاحب نظران فقهی، حقوقی، اقتصادی و فرهنگی و بخصوص مقامات روحانی، همانگونه که از تکنولوژی دنیای معاصر در اغلب زمینه‌های فنی - صنعتی و آموزشی بهره‌برداری می‌شود در جهت جستجوی راهکارهای جدید و تأمین امکانات، رفع نیازها برای موقوفات برنامه‌ریزی نمود.

تاریخ و سرنوشت ملت‌ها را مردان بزرگی می‌سازند که جهت سیر تاریخ را دریافته‌اند، این مردان با ارایه اندیشه‌های روشن خود، با یاری دست‌های توانای مردم، جامعه را می‌سازند و رهبری می‌کنند، آینده‌ای روشن را در افق ترسیم می‌کنند و امید رفتن و رسیدن را به قلوب مردم نثار می‌کنند، همانگونه که می‌بینیم در طول حیات اجتماعی جامعه‌مان مساجد به عنوان مظاهر بارز وقف و ایقاف همواره توسط مردم و مقامات روحانی به طور خودگردان اداره شده و می‌شود و نمونه عالی تعاون و





همبستگی مردم و روحانیت، به عنوان اندیشمندان در همین مساجد متبلور شده است.

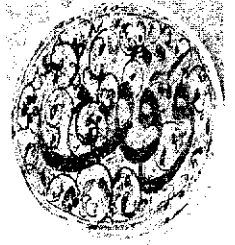
همواره مردم و شخصیت‌های مذهبی و فرهنگی بوده‌اند که فرهنگ ما و ایران را تاکنون حفظ نموده‌اند: «جا دارد برای درخشان نمودن جایگاه بلند وقف، تأکید بیشتری بر آن، رغبت‌افزایی و گرایش‌آفرینی به سوی وقف در هر شکل و صورت آن بخصوص بنیادهای وقفی موضوعی انعطاف‌پذیر در اقتصاد ما شکوفا شود»<sup>۲۱</sup>.

همانگونه که در روزگار ما اغلب پدیده‌ها، کارکردهای جدیدی پیدا کرده‌اند و در نتیجه، تأثیر و کاربرد قبلی خود را از دست داده‌اند، پدیده وقف نیز در تلفیق با تجربیات و علم و نیازهای امروز اجتماعی، لاجرم می‌تواند تأثیر و کارسازی بیشتری داشته باشد اگر بتوان به واقفان پیشنهاد نمود که دست متولی یا حاکم را در مورد عمل به وقف قدری بازتر بگذارند، در درازمدت وقف در ماندگاری و تأثیر خود موفق‌تر خواهد بود.

همچنانکه در کلام امام(ره) مبنی بر عدم حقیقت شرعی برای وقف ذکر گردید، بر مقامات روحانی و بر سازمان اوقاف است که ضرورت انعطاف در موقوفات قابل انعطاف و بسط حقوقی و دینی و تکامل آن را روشنتر ساخته و آنجا که امکان تغییر در مصارف یا قید زمان و مکان میسر است و اقتضای شرایط زمانی ایجاب می‌کند در صورت اجازه شرع مقدس از مقام محترم ولی فقیه اخذ مجوز نمایند. به عنوان مثال: موقوفه‌ای در شهری جهت اطعام در ماه محرم صرفاً به صنف مسگر وقف گردیده که بنا به ضرورت زمان و در سیر تحولات اجتماعی، مسگری به عنوان صنفی از صنعتگران قدیم رو به زوال نهاده و دیگر مسگری وجود ندارد که مصداق موقوف‌علیهم قرار گیرد (هر چند موقوفات از این دست تحت عنوان متعذرالمصرف نامیده می‌شوند و اغلب در بریات عامه هزینه می‌شوند) اما به لحاظ انتقای موضوع باید محل مصرف مشخص و دایمی بر آنان تعیین شود چراکه بریات عامه طیف وسیعی را عرفاً دربرمی‌گیرد که هر کجا و هر چیز را می‌تواند شامل گردد، در صورت تعیین دقیق محل مصرف می‌توان در یکی از ابعاد آن

(فرهنگی - اجتماعی و ...) هزینه شود و سلیقه متولی و یا متصدی وقف موجبات پراکندگی آن نخواهد بود. نیازها و کمبودهای اجتماعی در کشور رو به رشد ما خصوصاً در جنبه آموزش (اعم از ابتدایی یا عالی) کاملاً مشهود است و فضای آموزشی یا نیروی انسانی روز به روز رو به کاهش می‌گذارد که درک ضرورت و رعایت اولویت‌ها ایجاب می‌نماید که تمامی امکانات متصور و احتمالی در این زمینه به کار گرفته شوند و چه بهتر از موقوفات، که از گذشته‌های دور نقش اساسی در تربیت و تعلیم جامعه داشته است؟ رسانه‌های گروهی می‌توانند بالاترین و مؤثرترین نقش را در پیشبرد تبلیغ و ترویج وقف و تعریف مقاصد متنوع و نتایج امر خیر وقف را در زمره واجبات و تکلیف شرعی دانسته و زمینه گسترش آن را توسط افراد خیر و نیک‌اندیش فراهم آورند.

استفاده از تجربیات کشورها و ملل دیگر در زمینه



چگونگی اداره وقف، گسترش فرهنگ تعاون را غنی تر و پربارتر خواهد نمود.

می توان با تصویب قوانینی در جهت گسترش وقف اقداماتی اساسی به عمل آورد به عنوان مثال: از سالیان پیش در معاملات قطعی با اینکه شهرداری ها عوارض نوسازی تجاری یا مسکونی را از مردم اخذ می کنند با این همه در موقع معامله یک درصد قیمت ملک به شهرداری تعلق می گیرد که توسط دفاتر اسناد رسمی وصول و واریز می گردد یا دولت از هر نخ سیگار مبلغی به عنوان کمک به ورزش اخذ می نماید، بنابراین رویه در موقع ثبت شرکت های خدماتی یا تجاری یا تولیدی در اداره ثبت شرکت ها درصدی (مثلاً یک درصد) از سرمایه اولیه به عنوان سهم الوقف در نظر گرفته شود و محل مصرف آن را نیز اعضای شرکتی که درصد ثبت هستند تعیین نمایند، که حتی تعیین یک درصد نیز می تواند در تأسیس بانکی در جهت تأمین مشاغل یا اعطای وام ازدواج به جوانان مؤثر باشد و تعیین محل مصرف نیز از سوی صاحبان شرکت آن را به نوعی از حالت اجبار خارج می کند و انواع مختلفی از محل مصرف عواید را نیز در برگیرد، که در بسط و شکوفایی این سنت حسنه مؤثر خواهد افتاد.

دکتر علیرضا فیض در مقاله ای تحت عنوان «مصلحت وقف و پاره ای از شرایط آن»<sup>۲۲</sup> در خصوص وقفی از نوع جدید پیشنهاد می کند:

اشکال در وقف پول همان است که گفته شد و آن اینکه وقتی از پول منتفع می شویم که آن را خرج می کنیم چون خرج کردیم پول از بین می رود و دیگر باقی نمی ماند ولی باید گفته شود که باقی بودن هر چیز به فراخور خود آن چیز است و بنابراین می توان گفت: پول در گردش خود بر روی کلی - نه جزئی و شخصی - دور می زند و چه اشکالی دارد مثلاً کسی ده ها میلیون ریال پول خود را برای نیازمندان وقف کند و در بانکی نگهداری شود تا هر نیازمندی برای رفع حاجت از آن استفاده کند و در سر مدتی که از قبل معین شده است مثل آن را به

بانک بپردازد؟ این گونه وقف را عرف عقلا می پذیرند چون بسیار مفید و ارزنده و برای همیشه باقی و دایر است و هیچ حلال و حرامی هم پیش نخواهد آمد.

#### □ نکاتی چند در گسترش فرهنگ وقف

۱. از آنجا که موقوفات فقط به اراضی و املاک مربوط به مساجد و مؤسسات دینی اطلاق گردیده و در پندار و اذهان عمومی و باور مردم چنین جا افتاده است که وقف صرفاً برای فقرا و امثالهم است و یا چنین تبلیغ و تصور شده که از موقوفات فقط افراد سودجو استفاده می نمایند که البته این ناشی از عملکرد غلط متولیان و متصدیان در ادوار پیشین است و باید به شکل ممکن موضوع از طریق رسانه های گروهی و یا خلق آثار ادبی و هنری توسط هنرمندان و مؤلفان متعهد به مردم توضیح داده شود.

۲. همانگونه که گفته شد، در کتب آموزشی ابتدایی تا دبیرستان اشاره ای به این سنت حسنه نشده است، بر مسؤولان آموزشی و مؤلفان کتب درسی است که در جهت رفع این نقیصه اقدام کنند و در کتب درسی بابی در خصوص وقف گنجانده شود.

۳. همچنانکه در برنامه های صداوسیما، با هماهنگی سازمان میراث فرهنگی برنامه هایی در خصوص آثار تاریخی و میراث فرهنگی تهیه و ارائه می شود، از موقوفات نیز که میراث های معنوی و فرهنگی نیاکان پاک طینت ما هستند و در گوشه و کنار این پهنه مقدس نیز کم نیستند، از مدارس و بیمارستان ها و ... گزارش تهیه و ارائه گردد و توجه شود که این موقوفات منشأ چه اثرات مثبت اجتماعی و فرهنگی بوده اند، واقفان آثار نیز معرفی شوند.

۴. متأسفانه بعد از انقلاب اسلامی که تب تغییر نام ها به علت جو انقلابی تمام کشور را گرفته بود اسامی بعضی از موقوفات تغییر یافته که عملی برای زدودن وقف و واقف تلقی شده و اثر منفی داشته و چه بسا که مورد اعتراض بستگان و یا بازماندگان واقف قرار گرفته، برای ترویج وقف و اثبات حفظ امانت از سوی متولی یا اوقاف، باید اسم حقیقی وقف به صورت لایتغیر و مؤبد



بهینه شود. یا با سرمایه‌گذاری بازسازی گردد تا از وقف  
منظره‌ای نامطلوب رؤیت نشود.

۹. اسامی واقفان در لوحه‌ای ثبت و بر روی محل  
موقوفه نصب شود، اغلب دیده شده که موقوفه‌ای به نام  
متولی یا موقوف‌علیهم معرفی و معروف شده که این  
بی‌انصافی و تضييع حق واقف است.

۱۰. برای احیای موقوفات هزینه‌های پرسنلی را  
اهمیت داده تا افراد مرتبط با موقوفات به صورت جدی  
پیگیری نموده و در نتیجه ایجاد درآمد بیشتر برای  
موقوفات خواهد بود و ضمناً کارکنان با میل و رغبت  
بیشتری به کار خواهند پرداخت.

۱۱. شورایی از افراد خیر و ثروتمند و دانشگاهی در  
مراکز استان‌ها با ریاست مدیر کل اوقاف استان  
تحت عنوان «شورای فرهنگ اوقاف» جهت بررسی  
مسائل وقف و تبلیغ آن و تشویق به این سنت حسنه  
تشکیل گردد.

۱۲. از طریق صداوسیما با واقفان یا وراث آنان در  
خصوص اهداف وقف مصاحبه‌هایی ترتیب داده شود و  
همچنین تخلفات وقفی که متأسفانه توسط عده‌ای  
سودجو یا تعدی و تصرف در موقوفات انجام شده ضمن  
پی‌گیری قضایی به اطلاع مردم برسد، از منابر و امکانات  
تبلیغی نهایت استفاده در جهت جلب اعتماد مردم به  
عمل آید زیرا: اعتماد مردم مساوی با اقدام مردم است.

باقی بماند تا مردم به اثرات جاوداتی خود اطمینان یابند.  
۵. به نحو ممکن مردم را در خصوص نوع استفاده و  
محل مصرف موقوفات آگاه نمود تا حس بدبینی و عدم  
اعتماد که نتیجه عملکرد نادرست متولیان و متصدیان  
پیشین بوده از ذهن آنان زدوده شود.

۶. افرادی در جامعه زندگی می‌کنند که بنا به عللی  
مقطوع‌النسل می‌باشند و به همین جهت با ناامیدی که به  
آینده دارند هر آنچه دارند خرج می‌نمایند، برای  
جلوگیری از اسراف و تبذیر و تضييع اموال فهماند که  
برای تداوم حیات معنوی خود و باقی گذاشتن نام نیک  
در طرح یا پروژه عام‌المنفعه‌ای سرمایه‌گذاری نمایند تا  
خیر دنیا و آخرت نصیبشان شده و رستگار شوند.

همچنین افراد متمولی نیز هستند که به علت عدم  
شناخت نمی‌دانند مال و پول خود را در کجا و برای چه  
صرف کنند که می‌توان با شناسایی اینگونه افراد، وقف را  
به آنان معرفی و ابعاد معنوی آن را گوشزد نمود.

۷. در مجامع عمومی به عناوین مختلف از واقفان  
زنده تجلیل به عمل آید تا ارزش عمل معنوی و خیر خود  
را لمس کنند و دیگران نیز تشویق به این کار نیک شوند.

۸. رقباتی که در گذر زمان به علت قلت درآمد یا عدم  
رسیدگی و اهمال، تخریب گردیده‌اند و موجبات  
دل‌سردی مردم و ایجاد ذهنیت منفی می‌شوند، به هر  
نحو ممکن و در اسرع وقت تبدیل به احسن یا استفاده

